

بررسی عملکرد ایران، عراق و آمریکا در جنگ خلیج فارس در پرتو حقوق دریاها

محمدجواد سبحانی فر^۱ محسن عابدی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۰۱

چکیده:

در این مقاله به بررسی عملکرد ایران و عراق و حامیان او یعنی کشورهای غربی بخصوص آمریکا، در طول جنگ هشت ساله ایران و عراق و اقدامات انجام شده طرفین از جنبه حقوق بین‌الملل جنگ دریایی خواهیم پرداخت. هدف از این بررسی کشف متجاوز واقعی از دیدگاه حقوق بین‌الملل است. به بیان دیگر نوع برخورد نظام بین‌المللی با جنگ ایران و عراق و بازتاب آن بر روند جنگ مورد نظر است. در واقع، تلاش قدرت‌های بزرگ در جهت برقراری توازن و تعادل در جنگ بین ایران و عراق و نیز جلوگیری از پیروزی یکی از دو طرف درگیر جنگ (از دیدگاه حقوقی) که طولانی شدن جنگ در منطقه استراتژیک خلیج فارس را به دنبال داشته، یکی از اهداف این مقاله است. محققان در این مقاله به شیوه تحلیلی - توصیفی ضمن ذکر تعدادی از آمار و ارقام راجع به عملکرد طرفین در جنگ، به بررسی و تجزیه و تحلیل عملکرد و اقدامات طرفین درگیر از دیدگاه حقوق بین‌الملل پرداخته‌اند.

واژگان اصلی:

حقوق بین‌الملل، حقوق دریایی، حقوق دریاها، منطقه ممنوعه، جنگ دریایی، آزادی کشتیرانی، قاچاق جنگی، خلیج فارس، دفاع مشروع.

۱- دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام).

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد اطلاعات استراتژیک.

مقدمه

در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ (۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹)، عراق اقدام به تهاجم نظامی گسترده‌ای علیه سرزمین جمهوری اسلامی ایران کرد. در همان روز، ایران با اعمال محدودیت‌هایی در خصوص آزادی کشتیرانی در خلیج فارس، از خود واکنش نشان داد. در ژوئن ۱۹۸۲ (خرداد ماه ۱۳۶۱)، بعد از اینکه ایران نیروهای عراقی را به نحو موفقیت آمیزی از سرزمینش عقب راند، عملیات نظامی را در سرزمین دشمن پیگیری کرد. عراق به این منظور که ایران را وادار به پذیرش پیشنهادات صلحش کند، تصمیم گرفت که صدور نفت ایران از طریق دریا را قطع کند، بنابراین مرحله به مرحله پایانه‌های نفتی، سکوهای استخراج و نفتکش‌های حامل نفت ایران را هدف حملات هوایی خود قرار داد. واکنش ایران، تشدید بازرسی کشتی‌های بی‌طرف، به منظور شناسایی قاچاق جنگی به مقصد عراق بود. به علاوه، نقض تعهد بی‌طرفی^۱ از سوی برخی دولتهای حاشیه خلیج فارس، ایران را کم و بیش مجبور به حمله به نفتکش‌هایی کرد که عازم این کشورها بوده و یا از آن کشورها بارگیری کرده بودند.

در نهایت، ورود بخش عمده‌ای از ناوگان جنگی ایالات متحده به خلیج فارس و در نتیجه، تشدید بحران در منطقه، موجب اقدامات محدود نظامی علیه اهداف ایران گردید. از این رو، اقدامات تدریج به منطقه دریایی کشانده شد که مسائل حقوقی بسیار پیچیده‌ای را به دنبال داشت. (گاتری و روزیتی، ۱۳۷۴: ۲۱)

شورای امنیت سازمان ملل متحد که یکی از ارکان اصلی آن سازمان است طبق ماده ۲۴ منشور در نقش حافظ صلح و امنیت جهان که الزاما باید نقش ویژه‌ای در پایان جنگ ایران و عراق ایفا می‌کرد. حال سؤال این است در جنگی که کشور عراق علیه ایران تحمیل کرده و در واقع با چراغ سبز برخی کشورهای عضو دائم شورای امنیت به عراق و حمایت جدی از آن کشور توسط آن‌ها شکل گرفته، آیا این شورا و سازمان ملل متحد قادر بودند به عنوان سازمان‌های بین‌المللی بصورت بی‌طرف وارد صحنه شوند و با یک بررسی حقوقی کشور متجاوز را در جنگ دریایی مشخص نمایند؟ یا اساسا از دیدگاه بررسی حقوق بین‌الملل در رابطه با جنگ دریایی بین ایران و عراق کدام کشور متجاوز و جنایتکار است؟

بیان هدف و مسأله پژوهش

هدف از این پژوهش، بررسی و تبیین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران در حوزه دریایی (خلیج فارس) با همکاری ایالات متحده آمریکا از منظر حقوق بین‌الملل است. و اینکه چرا ایالات متحده آمریکا وارد جنگ گردید و این دو کشور با انجام عملیات‌های مشترک در خلیج فارس علیه نفتکش‌های ایرانی و کشورهای که با ایران مرادفات اقتصادی داشتند باعث بر هم زدن معادلات اقتصادی و امنیتی شد تا جایی که حتی ناوچه‌های جنگی و هواپیمای مسافربری ایران را مورد حمله خود قرار دادند. بنابراین سؤال اصلی پژوهش آن است که از نظر حقوق بین‌الملل کدام طرف جنگ، متجاوز و محکوم است؟ عراقی که جنگ را با همکاری و چراغ سبز آمریکا شروع کرده و دامنه آن را به خلیج فارس و کشتیها و دیگر وسائط نقلیه دریایی کشاند، یا ایرانی که در مقابل این حملات از خود دفاع کرد؟

فرضیه تحقیق

عوامل زیادی در بروز جنگ ایران و عراق نقش داشت. اما عامل اساسی حمله عراق به ایران و همکاری آمریکا با آن کشور، ترس از تشکیل یک کشور مقتدر شیعی در منطقه و دستیابی به منافع اقتصادی منطقه خلیج فارس توسط هر دو کشور بود. در این جهت در طول حملات متعدد زمینی، هوایی و دریایی ضرباتی را به کشور ایران وارد آوردند که در این پژوهش با بررسی حقوقی حملات دو طرف به یکدیگر و شناخته شدن متجاوز از نظر حقوق بین‌الملل دریایی، فرض بر این است که عراق و حامیان او بخصوص آمریکا به دلیل شروع جنگ تحمیلی و گستراندن دامنه آن به جنگ دریایی و نقض حقوق دریاها و انجام حملات متعدد به ناوچه‌های جنگی، کشتی‌ها و نفتکش‌های غیرجنگی و هواپیمای مسافربری متجاوز بوده‌اند.

روش تحقیق

در این پژوهش با استفاده از روش اسنادی یک تحقیق توصیفی - تحلیلی ارائه شده است. به این نحو که با بیان مطالبی در مورد علل شروع جنگ، دلایلی که جنگ به دریا و خلیج فارس کشیده شد، موضوع از منظر حقوقی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

مباحث نظری

مفهوم جنگ دریایی

جنگ دریایی، مخاصمه مسلحانه‌ای است که از کشتی‌های جنگی هدایت و فرماندهی می‌شوند و توسط ناوهای نیروی دریایی صورت می‌گیرند. مخاصمات حتی اگر از دریا به زمین هم انجام شود، جنگ دریایی است. مانند انهدام بنادر یک کشور توسط ناوهای جنگی دشمن. «جنگ دریایی بیش از هر چیز، عمل برخی ملت‌هاست که دارای سنت‌های دریایی هستند. جنگ دریایی هر چند ممکن است تابع مجموعه‌ای عملیات زمینی باشد، اما نمی‌تواند به خودی خود انهدام سریع دشمن را موجب شود. در نتیجه، هدف، چنین جنگی قطع ارتباطات دریایی، از بین بردن تجارت دریایی و ایجاد انزوای اقتصادی دشمن است» (رویترا، ۱۹۷۳: ۳۸۰).

حقوق کشورهای متخاصم در نبرد دریایی

- ۱- عبور و توقف کشتی‌های تجاری متخاصمان در آب‌های بی‌طرف (بلدسو، ۱۹۸۷: ۳۸۱)؛
- ۲- بازدید و بازرسی کشتی‌های تجاری بی‌طرف (میرزائی ینگجه، ۱۳۶۷: ۳۹۰)؛
- ۳- به غنیمت‌گیری کشتی بی‌طرفی که تحت حمایت نظامی کشور متخاصم قرار دارد (روسو، ۱۹۷۳: ۴۳۳)؛
- ۴- مصادره دریایی کشتی‌های تجاری بی‌طرف (ضیائی بیگدلی، ۱۳۷۳: ۳۱۴).

محدودیت‌های وارد بر آزادی کشتیرانی (دریانوردی)

در جریان چند ماه اول جنگ، وزارت راه و ترابری و نیز سازمان بنادر و کشتیرانی ایران به ابتکار فرماندهی کل نیروی دریایی، چندین اطلاعیه خطاب به دریانوردان صادر کردند. براساس این اطلاعیه‌ها، ایران به منظور کنترل کشتیرانی، یک منطقه جنگی در طول سواحل خود در خلیج فارس ایجاد و اقدام به محاصره دریایی عراق کرد (گاتری و رونزیتی، ۱۳۷۴: ۲۲).

1. Reuter
2. Bledsoe
3. Rousseau

این اطلاعیه ها عبارتند از:

- ۱- اطلاعیه به دریانوردان شماره ۱۷/۵۹، ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰
- ۲- اطلاعیه به دریانوردان شماره ۱۸/۵۹، ۱ اکتبر ۱۹۸۰
- ۳- اطلاعیه به دریانوردان شماره ۲۰/۵۹، ۴ نوامبر ۱۹۸۰
- ۴- اطلاعیه به دریانوردان شماره ۲۲/۵۹، ۱۶ نوامبر ۱۹۸۰
- ۵- اطلاعیه به دریانوردان شماره ۲۳/۵۹، ۲۱ ژانویه ۱۹۸۱ (گاتری و رونزیتی، ۱۳۷۴: ۳)

منطقه جنگی دریایی ایران

این منطقه که در تاریخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ (۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹) اعلام شد، آب‌های بین ساحل ایران و یک خط را که با ترسیم خطوط مستقیمی، تقریباً ۱۲ مایلی جنوب جزایر ابوموسی و سیری را به جنوب و ۱۲ مایلی جنوب شرقی جزیره فارسی وصل می‌کرد، در بر می‌گرفت (امین؛ ۱۹۸۴: ۵۳). این جزایر، جنوبی‌ترین جزایر ایران در خلیج فارس هستند، لذا برخلاف ادعاها، ایران هرگز منطقه جنگی خود را به تنگه هرمز توسعه نداده، بلکه در تاریخ ۲۲ اکتبر ۱۹۸۰ (۲۰ مهر ۱۳۵۹)، تعهد خود را به باز نگه داشتن تنگه مزبور جهت کشتیرانی مورد تأکید مجدد قرار داد.

ایران با ایجاد این منطقه جنگی دو هدف متفاوت را دنبال می‌کرد: هدف اول تأمین امنیت ایران بود؛ ایران قصد داشت که با ایجاد منطقه جنگی، از ساحلش در برابر تعدی و تجاوز احتمالی کشتی‌ها و به مخاطره افتادن امنیت ملی، حفاظت کند. به این دلیل کشتی‌های خارجی که می‌خواستند از منطقه مزبور عبور کنند، بایستی قبلاً از مقامات صلاحیت‌دار درخواست مجوز می‌کردند. بر این اساس کشتی‌هایی که می‌خواستند وارد یک بندر ایرانی شوند، می‌بایستی قبل از عبور از رأس الکوه در مدخل تنگه هرمز، با مقامات بندرعباس تماس بگیرند و خط سیر و مقصد کشتی را به اطلاع آن‌ها برسانند (اسناد اطلاعیه به دریا نوردان، ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱)، کشتی‌هایی که مقصد آن‌ها بندر یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس بود، به دلایل امنیتی که بیشتر ذکر شد، تحت مقررات شدیدتری بودند؛ لذا هر کشتی که چنین قصدی داشت، موظف بود که قبل از ورود، با مرکز فرماندهی نیروی دریایی ایران تماس بگیرد و

اطلاعاتی همچون: مبدأ حرکت، مقصد، مسیر، سرعت، زمان حرکت و تمام مشخصاتی را که مقصد بعدی کشتی را فراهم سازد، در اختیار آنان بگذارد. در هر دو مورد، هدف این بود که مقامات، قادر به تشخیص کشتی‌های دشمن گردند و مانع نزدیکی آن‌ها به منطقه جنگی شوند. دومین هدف ایران، تضمین کشتیرانی بین‌المللی بود. همان طور که بکرات گفته شد، تردد در منطقه مزبور به علت وقوع عملیات جنگی می‌توانست برای کشتیرانی بین‌المللی خطرناکی را در بر داشته باشد؛ ایران، بدون اینکه قصد ایجاد منطقه ممنوعه داشته باشد، به کشتی‌های خارجی توصیه می‌کرد که با استفاده از خطوط کشتیرانی خارج از منطقه مزبور، از منطقه جنگی اجتناب ورزند تا به این واسطه از هرگونه خسارات احتمالی که ممکن بود در عبور از منطقه به آن‌ها وارد شود، رفع مسئولیت کند.

پس از آنکه در مورد خطرات احتمالی هشدار لازم داده می‌شد، کشتی‌هایی که اصرار به کشتیرانی از طریق منطقه مزبور را داشتند، ضرر و زیان احتمالی به عهده خودشان بود. به منظور تأمین ایمنی کشتی‌هایی که مبدأ و یا مقصدشان بنادر ایرانی بود، فرماندهان چنین کشتی‌هایی بایستی تضمین می‌دادند که قبل از انجام هر عملی، هماهنگی‌های لازم را با نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران به عمل آورند و در عین حال وضعیت و موقعیتشان را در خلیج فارس، هر یک ساعت یک بار به بندر ایرانی ذی ربط اطلاع دهند.

منطقه جنگی ایران مشابه منطقه جنگی‌ای بود که توسط ژاپن، طی جنگ با روسیه در سال ۱۹۰۴ به منظور دور نگه داشتن کشتیرانی بین‌المللی از سواحل ژاپن، به عرض ۱۰ مایل ایجاد شده بود (دوپی، ۱۹۸۵: ۱۰۹۹).

منطقه مزبور، با مناطقی که هم در جنگ‌های بین‌المللی و هم در جنگ فالتکند و نیز منطقه‌ای که توسط عراق در ۷ اکتبر ۱۹۸۰ (۱۵ مهرماه ۱۳۵۹) ایجاد شد تفاوت داشت. در این موارد هر کشتی‌ای که اقدام به ورود به آن مناطق را (که معمولاً مناطق ممنوعه نامیده می‌شوند) می‌کرد، به خودی خود به عنوان کشتی دشمن و متجاوز تلقی می‌شد و سزاوار حمله بدون اخطار قبلی بود. ایجاد چنین منطقه‌ای، عملی غیرقانونی و مغایر با اصل آزادی کشتیرانی بوده، در تعارض با مفهوم بی‌طرفی است. «تا آنجا که منطقه جنگی اعلام شده هدفش تضمین امنیت در آب‌های نزدیک سرزمین ایران باشد، این امر نیز از نظر حقوقی قابل اعتراض نیست». بواقع

«اهداف دفاعی ایران در اعمال محدودیت نسبت به مناطق نزدیک ساحل خود، و مداخله محدودش در خطوط کشتیرانی بین‌المللی، به این نظریه منتهی می‌شود که اقدامات ایران معقول بوده و لذا تحت چنین شرایطی قابل توجیه است» (گاتری و روزنیتی، ۱۳۷۴: ۲۵)

محاصره دریایی ساحل عراق توسط ایران

تاریخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ (۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹)، ایران بدون اشاره صریح به برقراری یک محاصره دریایی، اعلام نمود که از دسترسی کشتی‌ها به بنادر عراق جلوگیری خواهد کرد. این امر بدون تردید قطع ارتباطات دشمن با ساحل بود. برتری ناوگان دریایی ایران نسبت به عراق، نابودی بخش عظیمی از نیروی دریایی عراق در جریان روزهای اول جنگ و نیز طول کم سواحل عراق، در اعمال مؤثر محاصره دریایی توسط نیروی نظامی مکفی در طول جنگ، عوامل مهمی بودند. هیچ‌گونه تلاشی برای شکستن محاصره توسط کشتی‌های تجاری صورت نگرفت؛ تنها چند کشتی کوچک ناوگان عراق در بندر «ام‌القصر» تلاش‌هایی به عمل آوردند، بدون آنکه موفق شوند به دریا‌های آزاد دسترسی پیدا کنند.

ایران در اول اکتبر ۱۹۸۰ (۹ مهر ۱۳۵۹)، محاصره دریایی را به اروندرود توسعه داد. انسداد این آبراه براساس این واقعیت توجیه می‌گردید که عراق با عمل تجاوزکارانه‌اش شدیداً امنیت کشتیرانی را در این آبراه را به مخاطره افکنده است. با وجود این، جمهوری اسلامی ایران اعلام نمود: «وقتی که تجاوز خاتمه یابد و حالت صلح اعاده شود، همه مقررات مربوط به کشتیرانی در اروندرود که توسط دفتر همکاری مشترک ایران به عراق اعمال می‌شده است، همچون گذشته اجرا خواهد شد» (پوسو، ۱۹۸۲: ۸۱۲).

این دفتر که براساس توافقنامه ۲۶ دسامبر ۱۹۷۵ (۵ دی ۱۳۵۴) بین ایران و عراق در مورد مقررات ناظر بر کشتیرانی در اروندرود، ضمیمه «عهدنامه مربوط به مرز دولتی و حسن همجواری» بین ایران و عراق ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ (۲۳ خرداد ۱۳۵۴) ایجاد شد، مسئول امنیت کشتیرانی در این آبراه و تهیه مقررات مربوط به آن بوده است.

توسعه محاصره دریایی به اروندرود، فرصتی برای تثبیت و تأکید بر اعتبار معاهده ۱۹۷۵ ناظر بر مرز دولتی و حسن همجواری، به ایران اعطا کرد که به طور یکجانبه توسط عراق در ۱۷

سپتامبر ۱۹۸۰ (۲۶ شهریور ۱۳۵۹) فسخ شده بود.

اگرچه متعاقب پذیرش پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹، تردیدهایی در مورد مشروعیت محاصره‌های دریایی ابراز گردید، اما دکترین تقریباً به اتفاق آرا، محاصره دریایی را به عنوان نوعی از عمل خصمانه مطابق با حقوق جنگ نشأت گرفته از اعلامیه پاریس (۷ آوریل ۱۸۵۶) و تأکید شده توسط اعلامیه لندن (۲۶ فوریه ۱۹۰۹) مورد توجه قرار می‌دهد. با این حال، عراق که به محاصره دریایی سواحلش معترض بود، تصمیمش را مبنی بر ایجاد یک منطقه ممنوعه در شمال شرقی خلیج فارس در یک دریای نیمه بسته به عنوان یک اقدام تلافی جویانه توجیه کرد. اینجا باید یادآور شد که اقدامات تلافی جویانه بایستی مستقیماً متوجه دولت یا منافع دولتی باشد که مسئول نقض حقوق بین‌الملل است، در حالی که ایجاد منطقه ممنوعه منافع دولت‌های بی‌طرف را نیز تحت تأثیر قرار داده است. (گاتری و روزنیتی، ۱۳۷۴: ۲۷).

حقوق بی‌طرفی

حقوق بی‌طرفی در ضمن جدا بودن از حقوق جنگ، نمی‌تواند چندان مستقل و بی‌ارتباط با آن باشد، زیرا کل مقررات مذکور، در هر حال متأثر از حالت جنگ است و اساساً هم یکی از اهداف حقوق جنگ، محدود کردن مخاصمه به طرف‌های درگیر و جلوگیری از گسترش آن به دول بی‌طرف است.» (میرزائی ینگجه، ۱۳۶۷: ۳۸۲).

«جنگ دریایی در اساس جنگ اقتصادی است. از این رو، جنگ دریایی در اصل به مسئله بی‌طرفی مبتنی شده است. در نتیجه، جنگ دریایی در محدوده‌های باز محل رفت و آمد کشتی‌های بی‌طرف جریان دارد. کشتی‌های دشمن محموله‌هایی از مبدأ کشورهای بی‌طرف و یا به مقصد آن کشورها و یا متعلق به آن‌ها را حمل می‌کند. جنگ نمی‌تواند در مورد سهمی که بی‌طرف‌ها در صادرات و واردات کالاهای دشمن دارند بی‌تفاوت بماند» (چ. روسو، ۶۵).

تکالیف کشور بی طرف در نبرد دریایی

- ۱- منع مداخله مستقیم در مخاصمات؛
- ۲- منع کمک غیر مستقیم به متخاصمان؛
- ۳- منع تجهیز و تدارک دریایی متخاصمان؛
- ۴- اتخاذ تدابیر پیشگیرانه؛
- ۵- اتخاذ تدابیر لازم جهت ممانعت بیماران و مجروحان و غریقان جنگی از عملیات جنگی؛
- ۶- تمکین به تدابیر کنترل کننده کشتی‌های جنگی متخاصم؛
- ۷- منع دادن اطلاعات نظامی به متخاصمان (فروتن، ۱۳۶۶: ۵۸۹).
- ۸- منع حمل و نقل قاچاق (ال. دلبز، ۵۸۴)

بازرسی کشتی‌های بی طرف و توقیف قاچاق جنگی

باید تمایزی بین تعهد کشتی‌های بی طرف به عدم حمل قاچاق برای . دول متخاصم و تعهد به عدم جانبداری و بی طرفی از سوی دولت‌های بی طرف قایل گردید. در ۱۲ اوت ۱۹۸۱، (۲۱ مرداد ماه ۱۳۶۰) جمهوری اسلامی ایران در مدخل ورودی تنگه هرمز، کشتی دانمارکی «السا کت» را که تجهیزات نظامی به مقصد عراق حمل می‌کرد، توقیف نمود. از سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) به بعد، نیروی دریایی ایران به طور منظم کشتی‌های بی طرف مشکوک به حمل قاچاق جنگی به مقصد عراق را مورد بازرسی قرار می‌داد. بنا به گفته فرماندهی نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران، تا پایان سال ۱۹۸۶، (۲۸ دی ماه ۱۳۶۵) بیش از ۱۰۰۰ کشتی بازرسی شده است. مطابق ماده ۶۱: اعلامیه لندن، تنها کشتی‌هایی که به صورت کاروان توسط کشتی‌های جنگی کشورشان اسکورت می‌شوند، از بازرسی معاف هستند.

با این حال این استثناء، در صورتی که ثابت شود اسکورت توأم با حسن نیت نباشد و بلکه به منظور اعطای مصونیت به کشتی حامل قاچاق جنگی صورت گرفته است، می‌تواند مورد اعتراض واقع گردد. این مطلب در مورد تغییر پرچم، صرفاً به منظور برخورداری از حمایت کشتی‌های جنگی خارجی مصداق دارد. شاهد مثال آن مواردی است که بخشی از ناوگان

1. L.Delbez:OP.cit
2. Ela cat

نفتکش کویت تحت پرچم ایالات متحده آمریکا قرار گرفت، با وجود این نیروی دریایی ایران ترجیح داد که از اعمال حق بازرسی خود، خودداری کند.

افزایش تعداد مواردی که محموله کشتی‌های بازرسی شده توقیف گردید، سبب شد که قوه مقننه ایران اقدام به تصویب قانون «نحوه رسیدگی به دعاوی مربوط به غنایم جنگی در ۱۷ نوامبر ۱۹۸۷ (۱۱ بهمن ۱۳۶۶)» بکند. همان‌گونه که عنوان قانون مزبور دلالت دارد، این قانون به قاچاق جنگی در مفهوم مضیق کلمه محدود نیست، یک قلمرو وسیع‌تری را شامل می‌گردد؛ این قانون نه تنها برای رسیدگی به اختلافات ناشی از توقیف اشیاء و کالاها به عنوان قاچاق جنگی، بلکه همچنین در مورد اختلافات ناشی از توقیف و تصیفه کالاهای متعلق به دشمن و اتباعش نیز تسری دارد (گاتری و رونزیتی، ۱۳۷۴: ۲۸).

الف - کالاهایی را که می‌توان توقیف کرد:

مطابق قانون ایران، کلیه اموال، کالاها، وسائط نقلیه و تجهیزات متعلق به دولت‌هایی که با ایران در حال جنگ باشند، بی‌درنگ متعلق به ایران می‌شود. تا آنجا که به دیگر کالاها مربوط می‌شود، کسانی که اموال و کالاهای مزبور متعلق به آنهاست، نوع و مقصدشان باید در آن واحد مورد توجه قرار گیرد. دو دسته از کالاها، اموال و وسائط نقلیه متعلق به دول بی‌طرف، اتباع آن‌ها یا تبعه دشمن را می‌توان توقیف کرد:

- ۱- کالاهایی که حملشان به سرزمین دشمن، مجاز تلقی نشده است.
- ۲- همه کالاهایی که مقصد نهایی آن‌ها، اعم از مستقیم یا غیرمستقیم، سرزمین دشمن است، در صورتی که توان نظامی دشمن را به طور مؤثر افزایش دهد.

۱- کالاهای به مقصد دشمن

در نتیجه محاصره مؤثر سواحل عراق و انسداد دهانه اروندرود بر روی کشتی‌ها، هیچ کشتی بی‌طرفی قادر نبود که در جریان مخاصمه به بنادر عراق دسترسی پیدا کند. با در نظر گرفتن تناژ تخلیه شده در بندر کویت، مقامات ایرانی تردید کردند که آن کشور تسهیلاتی را جهت انتقال کالا به مقصد عراق، از طریق سرزمینش (حتی از آغاز جنگ) فراهم می‌آورد. براین اساس نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران تلاش‌های ویژه‌ای را برای بازرسی کشتی‌هایی

که عازم کویت بودند(شیلر؛ ۱۹۸۶: ۱۱۴) و توقیف کالاهایی که ثابت می‌شد مقصد نهایی آن‌ها سرزمین دشمن است، به عمل آورد. لذا در ۲۰ ژوئن ۱۹۸۵ مقامات ایرانی کشتی المحرق را که تحت پرچم کویت و به مقصد کویت و به مقصد آن کشور هدایت می‌شد، بازرسی و ۵ تن از اموالی را که آشکارا به مقصد عراق بود، توقیف کردند. این عملکرد مطابق حقوق بین‌الملل بود و چون چندین بار تکرار شده بود، افزایش غیرعادی صادرات به کشورهای هم‌مرز سرزمین دشمن در مواردی مبانی توقیف محموله‌ها بود(اوکنل؛ ۱۹۸۴: ۱۱۴۵).

۲- مشارکت در افزایش توان رزمی دشمن

در آغاز این سؤال مطرح است که آیا منظور قانون‌گذار ایرانی، محدود کردن مفهوم تعریف قاچاق جنگی به ابزار جنگی و یا اشیاء و کالاهایی است که صرفاً کاربرد نظامی دارند؟ به عبارت دیگر منظور از قاچاق جنگی همان قاچاق مطلق است؟ این ابهامی است که باید روشن شود، این تفسیر مضیق از قاچاق جنگی مطابق برخی نظریات ابراز شده است. انگلستان مسئله را این‌گونه مورد بررسی قرار داده است که: «ایران که به طور فعال وارد مخاصمه شده است، در اعمال حق ذاتی دفاع مشروع، دارای حق توقیف و بازرسی کشتی‌های تجاری خارجی در دریای آزاد می‌باشد؛ در صورتی که دلایل قابل قبولی داشته باشد که کشتی‌های مزبور برای طرف دیگر جهت استفاده در مخاصمه، سلاح حمل می‌کنند. بدین منظور خاطر نشان گردیده است که چنین تعریفی از قاچاق جنگی، بهترین حمایت از افراد غیر نظامی است و لذا مطابق با پروتکل الحاقی شماره ۱ کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ به شمار می‌رود. عملکرد ایران در طول جنگ مبتنی بر یک تفسیر موسع از قاچاق جنگی بوده است؛ به نظر جمهوری اسلامی ایران، هرگونه کالایی، اعم از اینکه مستقیماً یا به طور غیرمستقیم در جنگ، مفید و مؤثر واقع شود، قابل توقیف است. عملکرد مزبور، هماهنگ با تحولات زمان جنگ جهانی دوم است که در مقام نسخ هرگونه تمایز بین قاچاق مطلق و نسبی برآمدند. از

1. Schiller
2. AL Muhraq
3. Oconnell

آن پس مقتضیات جنگ اقتصادی، کشورهای در حال مخاصمه را به این جهت سوق داد که تجارت دریایی دشمن را که تحت پرچم‌های بی‌طرف به عمل می‌آید، به طور کامل متوقف کنند (گاتری و رونزیتی، ۱۳۷۴: ۳۱).

۳- توقیف کشتی‌های بی‌طرف حامل قاچاق جنگی

در این مورد، قانون‌گذار ایرانی، علی‌الظاهر حقوق بین‌الملل، بویژه اعلامیه ۱۹۰۹ لندن را که انعکاسی از قاعده مسلم حقوق بین‌المللی عرفی است، مورد توجه قرار نمی‌دهد. در واقع مطابق با ماده ۴۰ اعلامیه مزبور، هر کشتی حامل قاچاق جنگی، تنها در صورتی که قاچاق مزبور «برحسب ارزش، وزن، حجم یا کرایه» بیش از نصف محموله کشتی باشد، محکوم می‌شود.

عملکرد جمهوری اسلامی ایران قبل از تصویب قانون، با حقوق بین‌الملل منطبق بوده است. این مطلب به عنوان دلیلی جهت آزادی کشتی المحرق (به تاریخ ۱۲ جولای ۱۹۸۴) متعلق به شرکت کشتیرانی عربی متحده، علیرغم اینکه عراق سهامدار آن بود، ذکر می‌شود. تنها کشتی «البیطار» تحت پرچم کویت، که در ۲۵ نوامبر ۱۹۸۵ به وسیله نیروی دریایی ایران توقیف شد، به علت تردیدهای جدی دایر بر تعلق کشتی مزبور به دشمن، اجازه داده نشد که مجدداً به راه خود ادامه دهد. کشتی مزبور هدف حمله نیروی هوایی عراق قرار گرفت و غرق شد.

ب - رأی در خصوص اعتبار قانونی توقیف

براساس قانون ایران مصادره کالاها، اموال و وسائط نقلیه بایستی مبتنی بر رأی دادگاه غنایم جنگی باشد؛ با وجود این، در دو مورد مصادره می‌تواند بدون دخالت قاضی صورت پذیرد. اولین استثناء مربوط به مصادره اموال عمومی دشمن است؛ این امر مطابق حقوق بین‌الملل است و ممکن است حتی در مقایسه با رویه و عملکردی که در حال حاضر مصادره اموال دشمن را به اموال دولتی و نیز اموال متعلق به اتباع این دولت تعمیم می‌دهد، معتدل و مناسب تلقی شود.

دومین استثنا ناظر است بر اموال، کالاها و وسائل نقلیه‌ای که ایران انتقال آن‌ها را به سرزمین دشمن ممنوع اعلام کرده است به هر حال این امر بایستی به این صورت توصیف گردد که هر دعوی مربوط به مصادره اموال می‌تواند به محکمه تسلیم شود. قطع نظر از این دو استثناء مصادره کالاها، اموال و وسائط نقلیه باید در عرض ۴ ماه از تاریخ توقیف به دفتر دادگاه تسلیم شود. مواد غذایی فاسدشدنی و کالاهایی را که نگهداری از آن‌ها مقرون به صرفه نباشد، می‌توان با اجازه دادستان به فروش رساند و وجوه حاصل از فروش را تا تعیین تکلیف از طرف دادگاه، به حساب وزارت دادگستری واریز کرد. از آنجا که دادگاه مزبور بخشی از دادگاه عمومی نظام حقوقی را تشکیل می‌دهد، دعوی مطابق آیین دادرسی مدنی رسیدگی می‌شوند (گاتری و رونزیتی، ۱۳۷۴: ۳۲).

پ - اعمال حق تفتیش و توقیف بعد از آتش بس

روزی که بین ایران و عراق آتش بس برقرار گردید، فرمانده نیروی دریایی ایران اعلام کرد که نیروهایش تا زمان صلح، به تفتیش کشتی‌ها ادامه خواهند داد. عراق عمل مزبور را در مورد اعتراض قرارداد و آن را مغایر منشور ملل متحد و بویژه اصل امنیت دسته جمعی دانست. نظریه ایران مبتنی بر این واقعیت بود که متارکه جنگ و حتی فراتر از آن، آتش بس، حالت جنگ را پایان نداده است و تا زمانی که دو طرف به یک معاهده صلح دست یابند، حقوق جنگ حاکم بر روابط بین دو دولت خواهد بود.

در عین حال ایران اضافه می‌کند آمادگی آن را دارد که به یک فرمول مصالحه، دست یابد. اگر چه ایران در عمل اقدام به تفتیش نکرد، با وجود این مسئله باقی است و از نظر تئوریک می‌تواند جالب باشد. در چارچوب کنوانسیون‌های ترک مخاصمه است که می‌توان راه حلی برای مسئله مزبور یافت. اکثر این کنوانسیون‌ها به طور کلی عملاً حق توقیف را منع می‌کنند. موضع علمای حقوق یکپارچه نیست. با وجود این، اکثریت مؤلفین مدافع استدلال مخالف هستند. در خصوص دوره آتش بس، سوابق، نادر است. از آنجا که اعمال حق توقیف نمی‌تواند به خودی خود یک عمل مخاصمه‌آمیز تلقی شود، می‌توان نتیجه گرفت که متخاصمین می‌توانند حداقل تا زمان انعقاد قرارداد ترک مخاصمه به اعمال حق مزبور ادامه دهند.

واکنش در برابر نقض تعهد به خودداری و عدم جانبداری

کویت، عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا از سوی ایران متهم شدند که در طول جنگ از تعهدات بی طرفی و عدم تبعیض قصور ورزیده‌اند. موضع ایران در برابر همه آن‌ها یکسان نبود. ایران به کوتاهی‌های کویت و عربستان سعودی از طریق حمله به تانکرهای حامل نفتشان پاسخ داد. راجع به ایالات متحده که از سوی ایران متهم به همکاری با متجاوز بود، عکس‌العمل واجد شرایط خاصی بود و با در نظر گرفتن شرایط حاکم مورد به مورد اقدام شد (گاتری و رونزیتی، ۱۳۷۴: ۳۳).

الف - حمله به نفتکش‌های بی طرف:

بعد از توسعه منطقه ممنوعه عراق در ۱۲ اوت ۱۹۸۴ (۲۱ مرداد ماه ۱۳۶۳)، نیروی هوایی عراق تعدادی از نفتکش‌های بی طرف را در مجاورت ترمینال نفتی جزیره خارک، مورد حمله قرار داد. در ۲۵ آوریل ۱۹۸۴ (۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۳)، عراق برای اولین بار یک نفتکش به نام «سفینه العرب» را که تحت پرچم سعودی بود، مورد حمله قرار داد. کشور مزبور روزهای بعد، حملاتش را تشدید کرد. ایران در ۱۶ مه ۱۹۸۴، با حمله به نفتکش «یانبوپراید» که تحت پرچم سعودی بود، مبادرت به مقابله به مثل نمود. تعداد حملات ایران که غالباً علیه نفتکش‌هایی که حامل نفت کویت بودند، صورت گرفت، در مقایسه با حملات عراق کمتر بود.

«جنگ نفتکش‌ها» تا پایان مخاصمات تداوم یافت و برای کشتیرانی بی طرف خیلی سنگین تمام شد. در ۲۵ مه ۱۹۸۲ (۴ خرداد ماه ۱۳۶۱)، دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس، طی نامه‌ای خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد درخواست تشکیل جلسه شورای امنیت را کردند. سفیر ایران در ۲۵ می ۱۹۸۲ طی نامه‌ای خطاب به دبیر کل سازمان ملل متحده بر آن شد که حملات ایران را توجیه کند. استدلال ایران اساساً بر دو ایده مبتنی بود:

- ۱- واکنش علیه کمک‌های تدارک دیده‌شده برای دولت عراق توسط برخی از دولت‌های منطقه؛
- ۲- مسأله غیرقابل تفکیک بودن امنیت خلیج فارس (گاتری و رونزیتی، ۱۳۷۴: ۳۵)

پیامد کمک ارائه شده به عراق

از نظر ایران «برخی از دولت‌های منطقه که منابع مادی و کمک‌های وسیعی را در اختیار عراق قرار می‌دهند و آن دولت را تشویق به تهدید کشتی‌های تجاری در خلیج فارس می‌کنند، هنوز خواهان این هستند که از نتایج پشتیبانی آشکارشان از عراق متجاوز علیه ایران مصون بمانند». کویت و عربستان به طور خاص، مشمول این وضعیت هستند. نظر ایران بر این بود که از آنجا که نفت تنها منبع درآمد این کشورهاست، نفتی که توسط این نفتکش‌ها در شرایط فعلی حمل می‌شود، کالایی ممنوعه تلقی می‌گردد، لذا ایران حق توسل به زور علیه نفتکش‌های کشورهای مزبور را برای خود محفوظ نگه می‌دارد.

مسئله مشروعیت چنین اعمالی به نحو زیرکانه‌ای طرح شده بود. در اینجا باید بین نفتکش‌های تحت پرچم کشور بی‌طرفی که ذینفع در مناقشه نیست، و آن کشتی‌هایی که تحت پرچم کشورهای بی‌طرفی هستند که از تعهدات اساسی بی‌طرفشان قصور ورزیده‌اند، تمایز قایل گردید. بدیهی است که شورای امنیت در قطعنامه ۵۵۲ (اول ژوئن ۱۹۸۳) این تمایز را مورد توجه قرار داد و صرفاً حمله به کشتی‌های حامل پرچم دولت‌های غیرساحلی خلیج فارس را محکوم کرد. چنین تفسیری منجر شد که بپذیریم که ایران در توسل به زور علیه کشتی‌های تحت پرچم کویت و عربستان، به منظور واداشتن آن‌ها بر انجام تعهداتشان، محق بوده است. در این زمینه «ایران می‌بایست مطابق معیار ضرورت و تناسب، ملحوظ در حقوق مدرن دفاع مشروع، عمل می‌کرد».

نهایتاً در این منطقه، آزادی عمل دول متخاصم بستگی به میزان کمکی دارد که هر دولت بی‌طرف به توان نظامی دشمن می‌کند و اینکه می‌توان در نهایت امر حقوق اعطایی به دولت بی‌طرف را سلب کرد. اگر اینطور باشد، تردیدی وجود ندارد که در کلیه موارد، انهدام کشتی‌های تجاری مستلزم اخطار قبلی است و کشتی جنگی باید ایمنی سرنشینان را تأمین کند.

تفکیک ناپذیری امنیت در خلیج فارس

«از نظر جمهوری اسلامی ایران، امنیت خلیج فارس تجزیه ناپذیر است، یا امنیت برای همه وجود دارد، یا هیچ امنیتی برای هیچ کسی وجود ندارد». اهمیت امنیت کشتیرانی برای ایران غیرقابل انکار است، از آنجا که از طریق این آبراه است که ایران بخش عظیمی از نفتش را صادر می‌کند، عراق به منظور قطع منبع اصلی درآمد ایران و اجبار ایران به پذیرش پیشنهادات

صلح، نفتکش‌هایی را که مقصد و یا مبدأ آن‌ها بنادر ایران بود، مورد حمله قرار می‌داد. بر این اساس ایران مجبور شد که با حمله به کشتی‌های بی‌طرف پاسخ دهد تا بدان وسیله صادرات نفت دیگر کشورها از طریق خلیج فارس را قطع کند. در این زمینه بود که ایران به اصل و یکپارچگی امنیت در خلیج فارس توسل جست تا عمل خود را توجیه نماید. در واقع، اتخاذ این سیاست جدید این امید را تقویت می‌کرد که قربانیان، به عراق فشار وارد نمایند که به حملات خود پایان دهد. بدین منظور رهبران ایران در چندین مورد در طول جنگ تهدید کردند که اگر به استفاده از تنگه هرمز برای صدور نفتشان قادر نباشند، آن را خواهند بست.

ب - مشارکت ایالات متحده آمریکا در مخاصمه

حضور گسترده ناوگان ایالات متحده در خلیج فارس، ریشه و عامل بحران شدید با ایران بود. ایالات متحده آمریکا در «اعمال حق دفاع مشروع» به یک سلسله اقدامات دریایی و هوایی علیه اهداف ایران مبادرت ورزید. ایران بلافاصله این اعمال را به عنوان اعمال تجاوزکارانه تلقی کرده، از اجازه دادن به ناوگان آمریکایی در اعمال حق عبور بی‌ضرر خودداری نمود (گاتری و روزیتی، ۱۳۷۴: ۳۷).

عبور بی‌ضرر^۱

عبور بی‌ضرر، قاعده‌ای قدیمی و عرفی است که در حقوق بین‌الملل دریاها به رسمیت شناخته شده و در برخی از معاهدات عام و خاص بین‌المللی از جمله عهدنامه دریای سرزمینی و منطقه نظارت (مواد ۱۴ تا ۲۳) و عهدنامه حقوق دریاها (مواد ۱۷ تا ۲۷) پذیرفته شده است.

«عبور» شامل عمل کشتیرانی در دریای سرزمینی به منظورهای زیر است:

- ۱- عبور کشتی‌ها از دریای سرزمینی بدون ورود به آب‌های داخلی و بی‌آنکه در لنگرگاه‌ها یا تأسیسات بندری که خارج از آب‌های داخلی واقع شده، توقف نمایند؛
- ۲- عبور کشتی‌ها از دریای سرزمینی، به قصد ورود به آب‌های داخلی یا خروج از آن‌ها؛
- ۳- توقف و لنگر انداختن کشتی‌ها به علت قوه قهریه یا خرابی آن‌ها و به‌طور کلی تا حدودی

که لازمه کشتیرانی عادی است و یا منظور از توقف، یاری رساندن به اشخاص، کشتی‌ها و یا ناوهای هوایی باشد که در معرض خطر قرار دارند. عبور باید پیوسته، مداوم و سریع باشد. عبور کشتی‌های خارجی از دریای سرزمینی تا جایی بی‌ضرر است که مخل آرامش، نظم و یا امنیت کشور ساحلی نباشد. البته عبور حق است نه اختیار ساده.

فعالیت‌های مخل عبور بی‌ضرر

- ۱- تهدید یا توسل به زور^۱ علیه حاکمیت، تمامیت ارضی^۲ یا استقلال سیاسی^۳ کشور ساحلی یا هرگونه روش دیگری که با اصول حقوق^۴ بین‌الملل مندرج در منشور ملل متحد مغایر باشد؛
- ۲- تمرین یا رزمایش نظامی با انواع تسلیحات؛
- ۳- گردآوری اطلاعاتی که به زیان امور دفاعی و امنیتی کشور ساحلی باشد. (جاسوسی)؛
- ۴- اقدامات تبلیغاتی که هدف از آن‌ها، اخلال در امور دفاعی و امنیتی کشور ساحلی باشد؛
- ۵- پرواز فرود یا انتقال انواع ناوهای هوایی و یا ادوات نظامی؛
- ۶- پیاده یا سوار کردن کالا، پول یا اشخاص، برخلاف قوانین و مقررات گمرکی، مالی بهداشتی و مهاجرتی کشور ساحلی؛
- ۷- آلودگی عمدی و شدید مغایر با حقوق بین‌الملل؛
- ۸- ماهیگیری؛
- ۹- انجام تحقیقات یا فعالیت‌های مساحی؛
- ۱۰- اخلال در کار سیستم‌های ارتباطی با سایر تجهیزات با تاسیسات کشور ساحلی؛ و
- ۱۱- سایر فعالیت‌هایی که به نحوی با عبور رابطه مستقیم ندارد (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۹: ۲۹۷)

اعمال تجاوزکارانه ایالات متحده آمریکا

اهمیت این مسئله برای ایران آن چنان بود که شخص وزیر امور خارجه ایران، دلایل ایران را

1. Resort Totorce
2. TerriTorial Integrity
3. Political Independence
4. Principlesof Low

در نامه‌های ارسالی خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد تبیین کرد؛ دلیلی که بعداً در شورای امنیت، در طول مذاکرات مربوط به انهدام ایرباس ایرانی، به تفصیل تشریح گردید.

به نظر ایران، حضور ناوگان ایالات متحده مغایر با نصّ قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، بویژه پاراگراف ۵ آن بود. ایالات متحده به دلیل عضویتش در سازمان ملل متحد، متعهد بود که تصمیم شورای امنیت را اجرا کند. در عین حال باید بر نقش و مسئولیت ویژه ایالات متحده به عنوان عضو دائم شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، تأکید شود. قطع نظر از امنیت کشتیرانی در خلیج فارس معلوم شد که حضور ناوگان ایالات متحده، یک عامل تنش است. علاوه بر این، آمریکا از طریق حضور و مزاحمتش در اعمال حق تفتیش و بازرسی کشتی‌ها، از تجاوز حمایت، و بی‌طرفی خود را نقض کرده است. ایران استدلال ایالات متحده را که ادعا کرده بود، مطابق با ماده ۵۱ منشور عمل کرده است، ردّ نمود.

به عقیده ایران «براساس منشور اعمال دفاع مشروع تنها در پاسخ به حملات مسلحانه قبلی می‌تواند صورت پذیرد». در اکثر مواردی که ایالات متحده ابتکار حملاتی را علیه اهداف غیرنظامی داشته، بنابر تعریف، عاری از هرگونه حمله مسلحانه بوده است. تحت این شرایط، چنین اقداماتی تنها می‌تواند به عنوان نقض بارز اصل عدم استفاده از زور در روابط بین‌المللی در نظر گرفته شود. ایران نسبت به تفسیر خیلی وسیع ایالات متحده در مورد ماده ۵۱ منشور ملل متحد که مطابق آن «دفاع مشروع می‌تواند نه تنها در صورت وقوع حمله مسلحانه، بلکه صرفاً به دلیل وجود مقاصد خصومت‌آمیز» اعمال شود، اعتراض کرد.

بدیهی است که مسئله مزبور هیچ ارتباطی با دفاع مشروع ندارد و یکی از مظاهر دفاع مشروع پیشگیرانه را تشکیل می‌دهد که هرگز پشتیبانی شورای امنیت را بدست نیاورده است. به نظر ایران، عمل ایالات متحده در آب‌های سرزمینی ایران و فضای بالای آن، یعنی حمله به واحدهای نیروی دریایی ایران و انهدام ایرباس به ایران همه از ویژگی عمل تجاوزکارانه، آنگونه که در قطعنامه «تعریف تجاوز» تعریف شده است، برخوردار می‌باشد.

در واقع صراحتاً بیان شده که از جمله اقداماتی که اعمال تجاوزکارانه را تشکیل می‌دهد عبارت است از «هرگونه استفاده از نیروی نظامی به وسیله یک دولت علیه سرزمین دولت دیگر». به این ترتیب، ایران بر این باور است که با ارتکاب و انجام این اعمال تجاوزکارانه، ایالات متحده مشارکت فعال در جنگ تحمیلی علیه ایران از طرف ایادی تجاوزکارش در

عراق داشته است. نهایتاً، این واقعیت که ایالات متحده به عنوان یک تهیه کننده سلاح برای عراق عمل کرده و اینکه آن‌ها به طور رسمی اعلام کرده اند که «شکست عراق از ایران، در تعارض و مغایر با منافع ایالات متحده خواهد بود و اینکه برای جلوگیری از چنین نتیجه‌ای گام‌هایی را بر خواهند داشت»، نقطه نظر ایران را بیشتر تقویت می‌کند (گاتری و رونزیتی، ۱۳۷۴: ۳۸).

جنگ نفت‌کش‌ها در خلیج فارس

جنگ نفت‌کش‌ها به مجموعه عملیات‌های نظامی دریایی بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۸ در خلیج فارس و در طول جنگ ایران و عراق اطلاق می‌شود که طرفین درگیر جنگ و نیروی دریایی آمریکا (۲۴ ژوئیه ۱۹۸۷ تا ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۸) علیه کشتی‌های تجاری و نظامی یکدیگر به کار می‌بستند. هدف عراق از به راه انداختن این جنگ جلوگیری از صادرات نفت ایران بود، اما در این کار شکست خورد. آمریکا نیز در این جنگ عملیاتی را برای ضربه زدن به ایران و کمک به پیروزی عراق انجام داد. کشورهای عرب حوزه خلیج فارس نیز سعی کردند با در انزوا قرار دادن اقتصادی و سیاسی ایران، به این کشور فشار وارد کنند. این نبرد در ۸ اوت ۱۹۸۸ با اعلام آتش بس دوجانبه اتمام یافت. این جنگ بعد از نبردهای دریایی جنگ جهانی دوم دومین نبرد بزرگ دریایی قرن بیستم به شمار می‌رود که آمریکا در آن درگیر شده است. در این نبرد بین ۴۱۱ تا ۵۴۳ کشتی از انواع گوناگون مورد حمله قرار گرفتند.

درگیری دریایی با نیروهای آمریکا (برشماری تعدادی از حملات آمریکا به ایران)

غربی‌ها، پس از مشاهده پیروزی‌های پیاپی جمهوری اسلامی ایران در جنگ و اثبات عدم توانایی صدام حسین در حفظ منافع و تحقق خواسته آن‌ها، تصمیم به حضور در خلیج فارس و تشکیل پایگاه‌های نظامی در خاک کشورهای منطقه (کشورهای کویت، قطر، امارات متحده عربی، بحرین، عربستان، عمان و عراق) گرفتند و با واگذاری تجهیزات و امکانات پیشرفته خود، عراقی‌ها را در انجام حملات هوایی به نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری که به مقصد ایران

1. Bilateral.

در حال حرکت بودند، کمک و یاری کردند. آن‌ها با تحویل هلی‌کوپتر، هواپیما و موشک‌های پیشرفته به ارتش عراق، صدمات فراوانی را به نفتکش‌ها، کشتی‌های تجاری، شناورهای نظامی و تأسیسات نفتی ایران وارد آوردند. لیکن عکس‌العمل‌های به موقع و مناسب جمهوری اسلامی ایران به اقدامات دشمن و مقابله به مثل با آن‌ها، ترفندهای صدام و حامیانش را خنثی و کم اثر نمود. از این‌رو، نیروهای آمریکایی به بهانه‌های مختلف و با انجام تبلیغات فریبنده و مستمسک قراردادن حفظ امنیت دریایی در منطقه خلیج فارس، حملات نظامی خود علیه جمهوری اسلامی ایران را آغاز کردند.

در سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۶۷، تعداد شناورهای نظامی ناوگان پنجم آمریکا در خلیج فارس حدود ۲۰ فروند (از انواع مختلف: ناو هواپیمابر، زیردریایی، ناوشکن، ناو نیروبر، ناو پشتیبانی عملیات آبی خاکی و...) و همچنین تعداد یگان‌های شناور سایر کشورهای عضو پیمان ناتو، حدود ۱۰ فروند بود. نیروهای آمریکایی در سال ۱۳۶۶ و اوایل سال ۱۳۶۷ به منظور حمایت همه جانبه از عراق، حفظ منافع خود و کشورهای وابسته به خود، حملات خود را به شرح ذیل علیه جمهوری اسلامی ایران به مرحله اجرا گذارند:

- ۱- حمله به ناو لجستیکی ایران اجر در مورخ ۱۳۶۶/۰۶/۱۳
 - ۲- حمله به سکوهای نفتی سلمان و نصر در مورخ ۱۳۶۷/۰۱/۲۹
 - ۳- حمله به ناوچه جوشن و ناوهای سهند و سبلان در تاریخ ۱۳۶۷/۰۱/۲۹
 - ۴- حمله به هواپیمای مسافربری ایرباس در مورخ ۱۳۶۷/۰۴/۱۲
- در نتیجه تعدادی از ناوهای ایرانی (ایران اجر، سهند و جوشن) در حملات غافلگیرانه ناوگان آمریکا غرق شدند و ناو سبلان آسیب فراوان دید (سایت روایتگر).
- آمریکا در ۲۷ مهرماه ۱۳۶۶ نیز با بهره‌گیری از ۴ ناوشکن به جزیره رستم (پایانه نفتی رشادت) و میدان نفتی رسالت، در خلیج فارس، حمله، و این تأسیسات را نابود کردند. این یورش وحشیانه به بهانه تلافی حمله به کشتی نفتکش کویتی با پرچم آمریکا صورت گرفت (برزگر، ۱۳۷۹: ۱۳۸)

جدول شماره ۱: عملیات‌های دریایی ایران در خلیج فارس

عملیات	تاریخ عملیات	منطقه نبرد	نیروهای عمل‌کننده	نتایج عملیات
عملیات مروارید	آذر ۱۳۵۹	خلیج فارس	نیروی دریایی و نیروی هوایی ارتش ایران	انهدام دو سکوی مهم نفتی عراق و انهدام کامل نیروی دریایی عراق
جنگ نفت‌کش‌ها	در طول جنگ تحمیلی ادامه داشت.			
کرבלای ۳	شهریور ۱۳۶۵	خلیج فارس	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	انهدام اسکله‌های نفتی ال‌امیه و البکر با تجهیزات

جدول شماره ۲: عملیات‌های دریایی آمریکا در خلیج فارس

عملیات	تاریخ عملیات	منطقه نبرد	نیروهای عمل‌کننده	نتایج عملیات
عملیات ثابت	۱۹۸۳-	کشورهای جهان	وزارت امور خارجه آمریکا	توافق برای جلوگیری از فروش غیرمستقیم تسلیحات به ایران توسط پیمانان
عملیات یخچال شکننده	۱۹۸۷- ۱۹۸۸	خلیج فارس	نیروی هوایی آمریکا	جاسوسی از نیروهای نظامی ایران
عملیات اراده جدی	۲۴ جولای ۱۹۸۷	خلیج فارس	نیروی دریایی آمریکا	آسیب یک تانکر آمریکایی و ۱۸ تن، و اجرای عملیات‌های فرصت برجسته و کمانگیر چابک در پی آن.
عملیات فرصت برجسته		خلیج فارس	نیروی دریایی آمریکا	کشته شدن ۵ تن و اسارت ۲۶ تن ایرانی
عملیات کمانگیر چابک	۱۹ اوت ۱۹۸۷	خلیج فارس	نیروی دریایی آمریکا	آسیب ۲ سکوی نفتی ایران، زخمی شدن ۱۸ آمریکایی
عملیات آخوندک	۱۸ آوریل ۱۹۸۸	خلیج فارس	نیروی دریایی آمریکا	غرق شدن ناوچه سه‌سند و جوشن و ۳ قایق تندرو و آسیب ناوچه سیلان و سکوه‌های نفتی ساسان و سیری ایران، انهدام یک هلیکوپترای اچ-۱ کبرا و مرگ دو خلبان آمریکا

عملیات آخوندک^۱

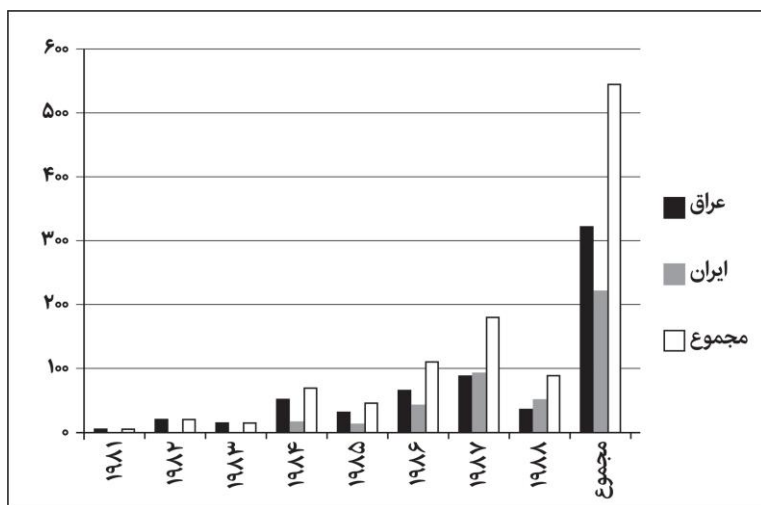
عملیات آخوندک حمله نیروی دریایی آمریکا به دو سکوی نفتی ایران در اواخر جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۷ است که به تلافی برخورد یک مین دریایی رهاشده از کشتی مین‌گذار ایران اجر به ناوچه آمریکایی «ساموئل بی. رابرتز» اجرا شد. به دنبال این حمله نیروی دریایی دو کشور با یکدیگر درگیر شدند که خسارت‌های فراوانی به نیروهای ایران وارد شد. عملیات آخوندک یکی از ۵ عملیاتی است که پروفیسور سیمونز در کتاب تصمیم در دریا آن‌ها را برتری مطلق نیروی دریایی آمریکا از نام برده است.

جدول شماره ۳: عملیات‌های دریایی عراق در خلیج فارس

عملیات	تاریخ عملیات	منطقه نبرد	نیروهای عمل‌کننده	نتایج عملیات
حمله به ناو استارک	۱۷ می ۱۹۸۷	جنوب خلیج فارس	نیروی هوایی عراق	آسیب دیدگی نیمی از ناو و کشته شدن ۳۷ ملوان آمریکایی و زخمی شدن ۱۱ تن دیگر
جنگ نفت‌کش‌ها				در طول جنگ تحمیلی ادامه داشت.
عملیات مهران				
نبرد اول فاو				
نبرد دوم فاو	۱۷ آوریل ۱۹۸۸	شبه جزیره فاو	گارد ریاست جمهوری عراق	تصرف فاو و عقب راندن نیروهای بسیج
عملیات انفال	۱۹۸۸	کردستان عراق	حزب بعث عراق	مرگ بیش از ۱۸۲۰۰۰۰ کُرد، عمدتاً در اثر گازهای شیمیایی

منبع: (جمهوری اسلامی)

1. Operation Earnest Will
2. U.S.S. Samuel B. Roberts.
3. <http://jomhourieslaini.blogfa.com>



نمودار شماره ۱: نمودار آمار حملات انجام شده به کشتی‌های تجاری در طول جنگ نفت‌کش‌ها

پیامدهای زیست محیطی جنگ نفت‌کش‌ها

این آلودگی نفتی بی‌سابقه بیشترین خسارات را به کشورهای بحرین، قطر، کویت و عربستان سعودی وارد آورد و آن‌ها را با کمبود آب آشامیدنی و ماهی روبه‌رو کرد. بسیاری از کارخانجات تصفیه آب این کشورها تعطیل شدند. همچنین بسیاری از جانداران دریایی خلیج فارس از گونه‌های بوفالو دریایی، لاک پشت، دلفین و مار آبی و پرندگان نابود شدند (وومستد و بانتا، ۲۰۰۹).

بر اساس برآورد کارشناسان، در بین سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۸۷، ۲۸٪ از نفت استخراج شده از چاه‌های نفت کشورهای حوزه خلیج فارس به هدر می‌رفت. جمهوری اسلامی ایران، رژیم عراق را متهم به نقض ماده ۳۵ پروتکل ۱۹۷۷ الحاقی به قرارداد ۱۹۴۹ ژنو کرد.

بعد از نبرد

ایران و عراق بیش از نیمی از حملاتشان را در این جنگ با استفاده از موشک ضد کشتی

انجام دادند. عراق ۸۰٪ حملاتش را علیه کشتی‌های تجاری انجام داد. ۶۱٪ کشتی‌های مورد حمله قرار گرفته در این نبرد از نوع کشتی نفت‌کش بوده‌اند. از مجموع ۲۳۹ نفت‌کش مورد حمله واقع شده، تعداد ۵۵ عدد غرق یا از رده خارج شدند. ۳۹٪ کشتی‌های فله‌بر و ۳۴٪ کشتی‌های باری مورد حمله واقع شده غرق شدند. نیروی دریایی آمریکا در این نبرد مجموعاً ۱۲۷ عملیات دریایی انجام داد و در طی آن‌ها ۱۸۸ کشتی کویتی را که نفت عراق را صادر می‌کردند اسکورت کرد (ویکی مدیا).

نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، بررسی و شناخت متجاوز در جریان جنگ دریایی بین ایران و عراق و همکاران غربی او از جمله آمریکا و... در طول هشت سال دفاع مقدس از دیدگاه حقوق بین‌الملل بود. از این منظر و همچنین از نظر مسائل نظامی و سیاسی چه در محیط خشکی و چه در محیط آبی آغازگر جنگ، دولت عراق بود. کشور شروع کننده جنگ آن هم بدون دلیل قانع کننده و یا حتی اجازه از سازمان ملل متحد و یا هر مرجع قانونی دیگر، متهم به تجاوز و اشغالگری است. در نتیجه، ایران براساس آموزه‌های دینی و قانونی و همچنین منشور دفاعی اسلامی و ملی خود دفاع مشروع از خود در مقابل متجاوز را حق قانونی و شرعی خود دانست و در سه حوزه زمینی، دریایی و هوایی به دفاع از مرزهای خود پرداخت.

در سال ۱۹۸۱ عراق در مرحله اول به کشتی‌های غیرنظامی ایران که وظیفه واردات کالاهای نظامی پشتیبانی جنگ را به عهده داشتند حمله هوایی کرد. در مرحله بعد این حملات کشتی‌های تجاری ایران را نیز شامل شد. عراق حملاتش را با کمک جنگنده‌های مجهز انجام می‌داد. این سلسله حملات تا سال ۱۹۸۳ ادامه پیدا کرد. اما ایران در این میان اقدام خاصی برای مقابله با این حملات انجام نداد.

نفت‌کش اطلس اولین نفت‌کش خارجی بود که در این جنگ آسیب دید. این نفت‌کش متعلق به ترکیه در ۳۰ می ۱۹۸۲ در حال صادرات نفت ایران بود که در خلیج فارس توسط هواپیماهای عراق بمباران شد. در تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۸۲ نفت‌کش یونانی «اسکپمانت» در

حالی که در حال صادرات نفت ایران بود مورد حمله یک عدد موشک «اگزوست» عراق قرار گرفت و آسیب جدی دید. آسیب دیدگی به حدی بود که کشتی از ادامه سرویس دهی بازماند و کشتی غیرقابل استفاده گردید.

از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳ مجموعاً ۴۸ کشتی تجاری مورد حمله قرار گرفت. در ۵ ژانویه ۱۹۸۴ عربستان سعودی در جهت فشار بر ایران برای پایان دادن به عملیات‌های نظامی‌اش در خلیج فارس، یک فروند جنگنده ایرانی را در خلیج فارس توسط یک فروند جنگنده خود منهدم ساخت. درگیری در خلیج فارس با حملات عراق به جزیره خارک در سال ۱۳۶۳ و سپس با حمله به نفت‌کش‌ها و کشتی‌های ایرانی به اوج خود رسید.

در مقابل تجاوزهای وحشیانه عراق به کشتی‌های تجاری و نفت‌کش‌ها و همچنین سکوهای نفتی ایران، ایران تصمیم به جلوگیری از ورود و خروج هرگونه کشتی و نفت‌کش با هر پرچم و تابعیتی به داخل آب‌های عراق جهت پشتیبانی این کشور گرفت و این مطلب را در قالب اعلامیه و اطلاعیه به کلیه دریانوردان اعلام نمود تا اقداماتش جنبه حقوقی و قانونی داشته باشد. با این اقدام ایران بود که عراق و در رأس آن آمریکای جنایتکار دست به اجرای عملیات‌های متعدد به صورت مردمی یا مشترک زدند و تعداد زیادی از سکوهای نفتی، نفت‌کش‌ها، کشتی‌های تجاری، ناوچه‌های جنگی، هواپیمای مسافربری و مایملک ایران را در خلیج فارس مورد اصابت موشک‌های جنگنده‌ها و ناوهای خود قرار داده و افراد زیادی را به شهادت رساندند.

با بررسی تعداد عملیات‌های آمریکا، عراق، عربستان و دیگر حامیان آن‌ها در خلیج فارس و آمار و ارقامی که قسمتی از آن‌ها در این مقاله ذکر شد به روشنی می‌توان به جنایات این دولت‌ها پی برد. البته تجاوزهای مذکور بر هیچ مقام بین‌المللی پوشیده نیست اما ایران با طرح دعاوی در دادگاه‌ها و دیگر مراجع بین‌المللی، به غیر از قطعنامه ۵۹۸، هیچ‌گاه نتوانست آن‌ها را به این امر متقاعد نماید تا عراق را به عنوان کشور متجاوز معرفی نمایند.

منابع

۱. گاتری، آندره و نانالینو رونزیتی. (۱۳۷۴). جنگ ایران و عراق (۱۹۸۸ - ۱۹۸۰) و حقوق جنگ دریایی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی نوری و سعید تائب و احمد سالاری، چاپ اول، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۲. ضیائی بیگدلی، محمد رضا. (۱۳۸۹). حقوق بین الملل عمومی، چاپ سی و نهم، ویرایش جدید، تهران: انتشارات گنج دانش.
۳. برزگر، علیرضا. (۱۳۷۸). روز شمار جنگ تحمیلی، چاپ اول، تهران: انتشارات سروش (صدا و سیما).
۴. ضیائی بیگدلی، محمد رضا. (۱۳۸۹). حقوق جنگ، چاپ نخست، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی
۵. مقتدر، هوشنگ. (۱۳۷۲). حقوق بین الملل عمومی، چاپ اول، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۶. اداره حقوقی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۷۱). تحلیلی بر جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم.
۷. ضیائی بیگدلی، محمد رضا. (۱۳۸۶). اسلام و حقوق بین الملل عمومی، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ هشتم، بازنگری شده.
۸. چرچیل، رابین و آلن لو. (۱۳۷۷). حقوق بین الملل دریاها، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش
۹. ضیائی بیگدلی، محمد رضا. (۱۳۸۶). حقوق معاهدات بین المللی، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ سوم.
۱۰. اسحاقی، سید محمد. (۱۳۸۶). نبرد العمیه، چاپ سوم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
۱۱. میرزائی ینگجه، سعید. (۱۳۶۷). ضرورت توسعه و تدوین حقوق بین الملل جنگ، مجله سیاست خارجی، شماره ۲، سال دوم.

۱۲. فروتن، مصطفی. (۱۳۶۶). مسئله بی‌طرفی و توقیف و بازرسی کشتی‌های تجاری در ارتباط با جنگ تحمیلی، مجله سیاست خارجی، شماره ۳، سال اول.
۱۳. اطلاعیه به دریانوردان شماره ۱۷/۵۹، ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰
۱۴. اطلاعیه به دریانوردان شماره ۱۸/۵۹، ۱ اکتبر ۱۹۸۰
۱۵. اطلاعیه به دریانوردان شماره ۲۰/۵۹، ۴ نوامبر ۱۹۸۰
۱۶. اطلاعیه به دریانوردان شماره ۲۲/۵۹، ۱۶ نوامبر ۱۹۸۰
۱۷. اطلاعیه به دریانوردان شماره ۲۳/۵۹، ۲۱ ژانویه ۱۹۸۱
18. S.H.Amin International and legal problems of the Gulf, 1984, pp53.Taken up by N. Ronzitti, "Passage through International Straits in the Time of International Armed Confilicts" in International Law at the Time of its Codification Essays in Honour of Roberto Age 1987, Vol, II.
19. R.J.Dupuy- D.Vign es(eds.), Traite du nouveau drofit de la mer 1985.
20. C.Pousseau, "chronique des faits internationaux", Revue generale de droit international public Vol.86(1982).
21. T.S.Schiller," The Gulf War and Shipping: Recent Developments", in B.A.H.Parritt (ed), Violence at Sea, 2nd ed. 1986.
22. D.P.Oconnell, The International Law of the Sea (1984), edited by, I.A.Shwarer, Vol.2.
23. Bledsoe. R and Bleslaw, A.Boczek: International Law dictionary ABC - clio, 1987.
24. 7-Syed Hassan Amin, int.Legalproblems of the Gulf, London, 1981.
25. Connel, P.O., International Law, 2 Vol, 1965
26. Robert C. Wurmstedt, Kenneth W. Banta , Kenneth W. Banta. Reported by Robert C. Wurmstedt. Persian Gulf: A Glut That Is All Too Visible .TIME magazine. ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۹، ۱۸ آوریل ۱۹۸۳
27. Reuter,Paul:Droit International Public, Temis, Paris, 1973
28. Rousseau.Charles, Droit International Public, Temis, Paris, 1973.
29. Delbez, Louis, Les Principes Generaux de Droit International Public, L.G.D.J., Paris, 1964.
30. Rousseau. Charles, Droit des Conflits Armes, Temis, Paris, 1973.
31. 5-Quoc Dinh, Nguyen, Droit International Public, 2e ed, 1980, 5e

- ed, 1994.
32. Cavaróe, Louis, le Droit International Public Positif, Tom I-II, 1967-1973.
 33. <http://commons.Wikimedia.org>
 34. <http://jomhourieslami.blogfa.com>
 35. <http://ravayatgar.org>
 36. <http://www.ensani.ir>
 37. <http://www.ido.ir>